

## کدام دین را اختیار کنیم

یهودی ؛ مسیحی ، زردشتی ، بابی ، بهائی ، اسلام !!

مردم امروز جهان را از نظر عقیده دینی به پنج دسته متمایز میتوان تقسیم نمود . یکمده کسانی هستند که چون پدران و اسلاف آنها دارای دین خاصی از قبیل یهودی یا مسیحی بوده اند ؛ اینان نیز خود را با همان عقائد اجدادی دلخوش داشته و شانها از زیر بار تحقیق در ادیان ، و پیدا کردن دین صحیح خالی نموده اند . دسته دیگر مردمی هستند که پای بند هیچ عقیده دینی نبوده ، حتی مبدا اعلای آفرینش را انکار کرده در پی خبری تام و تمام بسر میبرند . اینان گروهی هستند که جهان - پهناور آفرینش را بی مبدا و بی هدف دانسته و خود نیز هدفی جز پیروی امیال و شهوات نفسانی ندارند ، - گروه سوم که بیشتر روشن فکران جامعه های کنونی را تشکیل میدهد اشخاصی هستند که میان دین و بیدینی گیر کرده -

نمیدانند کدام طرف را اختیار کنند. اینها در عمق دل نمیتوانند وجود آفریدگار توانا را که بدیهی ترین حقائق جهان است انکار نمایند و چون در همه اجزاء عالم خلقت نظم و قانون دقیق مشاهده می نمایند با مراجعه بوجدان خود باور نمی کنند که بشر؛ سر خود وحیران گذاشته شده باشد زیرا قوانین خلقت کلی است و استثنا ندارد. ولی چون بایشان گفته شود چرا متعبد با حکام دین نمیشوید؟ روبر گردانده گویند: کدام دین؟ بالینهمه کیش های گوناگون که در جهان وجود دارد و پیروان هر یک کیش خود را درست دانسته پیروان سایر ادیان را تخطئه میکنند ما کدام دین را اختیار کنیم و دین حق را از کجا تشخیص دهیم؟ و چون گفته شود تحقیق کن تاراه را از چاه بازشناسی؛ روی درهم کشیده گوید پس تمام عمرم را صرف تحقیق و مطالعه در ادیان کنیم و دست از کار و زندگی خودم بکشم! و چون بسیاری از ادیان جهان مشتمل بر مطالب خرافی و موضوعات غیر قابل قبول است این امر نیز سبب بدبینی نسبت بمطلق دین شده بطوریکه دین را بطور مطلق - خرافی دانسته حاضر بتحقیق در اطراف آن نیستند.

در مرتبه چهارم میتوان کسانی را نام برد که با از روی تحقیق صحیح و علم قطعی مسلمانند و با از روی جهل منکب و تحقیق غلط بحقانیت کیشی که دارند یقین دارند. در مرتبه پنجم متعصین اهل هر کیشند که با علم بطلان کیش خود در رویه خود نظر بعلمی پافشاری میکنند و این دودسته آخر نسبت بدسته های دیگر خیلی کمترند.

در این گفتار بادسته دوم که منکرین مبدء و معادند سخنی نداریم

زیرا بنا کسیکه دین را بکلی زائد و زبانبخش میدانند و خدا را قبول ندارد سخن از تحقیق در دین، و تشخیص دین صحیح بیهوده است برای ایندسته باید نخست وجود کردگار و لزوم دین را اثبات کرد و سپس سخن از دین صحیح و تشخیص آن بمیان آورد. و این کار منظور نظر ما در این گفتار نیست. بادسته چهارم نیز سخنی نداریم زیرا که آنان حق را یافته و بآن تمسک جسته اند. فماذا بعد الحق الا الضلال

بدسته پنجم تنها نصیحت میکنیم که دست از تعصب جاهلانه بردارند، زیرا کسیکه تعصب و لجاج راییشه سازد باهیچ منطقی رام نخواهد شد؛ روی سخن مادر این مقاله بادسته دوم و بخصوص دسته سوم است که آماده پذیرفتن حق میباشند ما بهمه پیروان ادیان (غیر از اسلام) که کور کورانه کیش اجدادی خود را حفظ کرده اند؛ و بخصوص بآندسته ای که میان دین و بیدینی حیران و سرگردانند و در صدد پیدا کردن دین صحیح میباشند؛ میگوئیم:

راه تحقیق و تشخیص دین حق از ادیان باطله بسیار ساده و آسان است و محتاج صرف وقت زیادی نیست. لازم نیست تاریخچه ادیان جهان را دقیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار دهید و حتی لازم نیست از تواریخ و امثال آن برای اثبات معجزه پیغمبران استفاده کنید تا مدعیان دروغ و از پیغمبران حقیقی تشخیص داده شوند، و بالاخره لازم نیست ماهها و سالها وقت خود را صرف مطالعه اصول ادیان جهان کنید، بلکه کافی است کتب ادیان معروفه را که احتمال میدهید - دین حق در میان آنها باشد پهلوی هم گذارده باهم مقایسه کنید ما معتقدیم اگر چنین کنید از خود قرآن

دلیل‌های بی‌شمار بر حقیقت آن و صدق آورنده اش، و از خود کتاب‌های دیگر دلیل‌های بسیار - بر بطلان آنها بدست خواهید آورد. اکنون برای اینکه خیال نشود ادعای بیدلیل می‌کنیم - بتحقیق در ادیان معروفه جهان «اسلام، یهودی، مسیحی؛ زرتشتی؛ می‌پردازیم و چون در کشور ما عده‌ای هم فریب‌بندی‌های ساختگی بابی و بهائی را خورده اند ناچاریم در این کیش‌های از اصل دروغ هم گر چه بسیار بی‌ارزند تحقیق نمائیم.

و سائل تحقیق چنان چه گفتیم بسیار ساده است کافی است کتب ادیان نامبرده را جلو خود گذاشته و چند سطر از هر کدام بخوانیم. تاحق از باطل تشخیص داده شود. اکنون برای تحقیق در دین یهود بکتاب مذهبی ایشان یعنی تورات مراجعه می‌کنیم:

مراجعه بتورات.

تورات کتابی است سرایخرافی مشتمل بر آداب و احکامی بچه گانه و مضحك که ممکن نیست از هیچ عاقلی این لاطائلات سرزده باشد تا چه رسد باینکه این کتاب را خدا از آسمان فرستاده باشد حالا برای این که بیشتر با این کتاب آشنا شوید نمونه‌ای از نوشته‌های این کتاب بنظرتان میرسد:

خدا در تورات.

خدا کشتی می‌گیرد. در باب ۳۲ سفر پیدایش می‌گوید خدا یکشب تا طلوع فجر بایعقوب کشتی گرفت و بالاخره نتوانست بر یعقوب غلبه کند لذا شروع بالتماس کرد یعقوب گفت تا مرا برکت ندهی رهايت نمی‌کنم و بالاخره خدا او را برکت داد و گفت بعد از این نام تو اسرائیل باشد زیرا

که با خدا و انسان مجاهده کرده، نصرت یافتی.

و یعقوب آن مکان را فیئیل نامید (گفت) زیرا خدا را رو برودیدم  
جانم رستگار شد.

قضاوت در باره این چرندیات با خواننده است و محتاج بیان

نیست.

## کتابخانه فیضیه قم

خدای تورات هم دروغ میگوید

خدا بآدم امر فرمود که از درختان باغ بی ممانعت بخور ولی از  
درخت معرفت نیک و بد نخور زیرا روزی که از آن درخت بخوری هر آینه خواهی  
مرد (باب ۲ سفر پیدایش آیه ۱۶ و ۱۷) و ما به زن آدم گفت که البته از  
خوردن میوه این درخت نخواهید مرد بلکه چون خدایان، بنیک و بدعارف  
میشوید، پس آن زن از میوه درخت خورد و بشوهر خود نیز خوراند در این  
هنگام چشمهای ایشان گشوده شد و دانستند که برهنه اند و بر گهای درخت  
انجیر را از برای خود فوطه ساختند (سفر پیدایش فصل ۳ آیه ۶ تا ۷) چنانچه  
ملاحظه میفرمائید خدا دروغ گفته ولی ما راست گفته است!؟

خدا آواز میخواند

آدم و زنش آواز خدا را شنیدند که بهنگام نسیم روز در باغ میخرا امید  
لذا خود را در میان درختان پنهان کردند خدا آمد آواز کرد که کجایی؟  
جواب داد آواز تورا شنیدم و چون برهنه ام پنهان شدم و بالاخره پس از آنکه خدا  
فهمید آدم از درخت معرفت نیک و بد خورده از ترس این که مبادا از درخت  
حیات هم بخورد، و برای همیشه زنده بماند و معارض بساط خدائی گردد او را  
از باغ عدن بیرون کرد، و شمشیر آتش باری برای نگهبانی شجره حیات

قرارداد. (سفر تکوین فصل سوم) در عبارات فوق که خلاصه عبارات تورات است خوب دقیق شوید تا ارزش این کتاب را دریابید.

### خدا غذا میخورد و استراحت میکند

از فصل ۱۸ سفر تکوین این مطالب استفاده می شود: خدا بر ابراهیم ظاهر شد (خدا بدنی است) ابراهیم گفت آبی حاضر کنم یا هایتان را بشوئید (خدا جسم است) و خواست که زیر سایه درخت بنشیند (خدا و دولت که همراهش بودند) و استراحت کنند (خسته میشود) و سپس غذا آورد و خوردند (خدا گرسنه می شود)؛ خدا با ابراهیم گفت: آمده ام تا درباره مردم تحقیق کنم که آن چه بمن رسیده درست است یا نه (خدا برای این که چیزی را بداند باید از آسمان بزیر آید و تحقیق کند):

### دو موضوع عجیب دیگر

: خدا پا داشته و بنی اسرائیل دیده اند (باب ۲۴ سفر خروج آیه ۹) . پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکو منظرند و از هر کدام که خواستند زنان برای خویش می گرفتند (عین آیه ۲ از باب ۶ سفر پیدایش)!

تورات درباره پیغمبران خدا چه میگوید؟

تورات بموسی و هرون نسبتهایی میدهد که اگر این نسبتها را قبول کنیم باید بگوئیم هیچکدام پیغمبر نبوده اند:

موسی و هرون خدا را تصدیق ننمودند (باب ۲۰ سفر اعداد آیه ۱۲) و از قول خدا عصیان ورزیدند (باب ۲۰ سفر اعداد آیه ۱۴) هرون گوساله ساخت و بنی اسرائیل را عبادت آن دستور داد (اول باب ۲۲ سفر خروج) موسی و هرون در میان بنی اسرائیل بخدا خیانت کردند (نسخه عربی سفر

تورات مثنی فصل ۲۳) موسی آدمکشیمهای بیرحمانه کرده - بطوریکه زنان و اطفال را هلاک میکرده و گاهی از جانب خدا دستور داشته که هیچ ذی نفسی را زنده نگذارد (فصل ۳۱ سفر اعداد آیه ۱۷ و ۱۸ و سفر تورات مثنی فصل دوم آیه ۲۴ و فصل ۲۰ سفر تورات مثنی آیه ۱۶). تورات - نسبت بسایر پیامبران نیز جسارتها ورزیده است :

سلیمان را زنانش اغوا کردند بطوریکه به بت پرستی و عیاشی پرداخت (کتاب اول ملوک فصل ۱۱) در صورتیکه جانشین داود و محبوب خدا بود (شموئیل ۱۲ : ۲۵ و اول تواریخ ایام ۲۲ : ۹ - ۱۰) دختران لوط هربک شبی بنوبه ، باو شراب نوشانیده و با او در حالیکه مست و لایعقل بود همبستر شدند و دوپسر آوردند (تکوین ۱۹ : ۳۰ - ۳۸) و این لوط پیمبر الهی و مورد نزول فرشتگان بود (تثنیه ۹ : ۲ و فرموز ۸۳ : ۸) . داود او را به کشت و زنش را بر خلاف عفاف تصرف کرد خدا در برابر این کار فرمود : زنان در در روز روشن بدست رقیقت سپارم که با آنها همبستر شوند (شموئیل ۱۲ :

یعقوب سر پندیر و نابینایش کلاه گذاشت و از راه مکر برکت نبوت را که مخصوص غیر بود گرفت تکوین ۲۷ : ۱ - ۴۶) این بود نمونه ای از آنچه به پیغمبران الهی در کتاب مقدس نسبت داده شده است ، دیگر از ملتی که پیر و این کتاب باشد چه توقع باید داشت؛ جائیکه پیغمبران بچنین اعمال زشتی دست بزنند پیر و ان آنها چه خواهند کرد ؟

### احکام تورات

احکام این کتاب بقدری مسخره است که ما خوش نمیداریم آنها

را در اینجا بنویسیم هر که خواهد نمونه این لاطائلات را ببیند بیه باب ۲۸ سفر اعداد تا آخر و از اول سفر لاویان تا باب ۱۱ که حکم قربانی سوختنی را بنحو مضحکی بیان میکند مراجعه نماید و نیز مراجعه بباب ۱۴ سفر لاویان که حکم مبروص و خانه برص دار، و دستور تطهیر آنرا شرح میدهد برای خواندن و خندیدن خوبست در این باب مطالبی نوشته که از دیوانگان هم نظیر این سخنان سر نمی‌زند.

### تورات فعلی کتاب آسمانی نیست

توراتیکه فعلا در دست یهود است چنانچه از خودش استفاده میشود سالها پس از موسی نوشته شده کتاب آسمانی نیست. سفر تثنیه باب ۳۴ آیه ۶ میگوید که موسی در زمین مواب مرد و در مقابل بیت فغور دفن شد؛ واحدی قبرش را تا امروز ندانسته است، و بالاخره میگوید بنی اسرائیل ۳۰ روز برای او ماتم گرفتند. مجموع این سخن صریح است در اینکه این کتاب سالها پس از موسی نوشته شده و مؤلف میگوید تا امروز کسی قبر موسی را ندانسته است، بعلاوه قسمت مهم تورات سرگذشت موسی و هرون و بنی اسرائیل است؛ و معلوم است که خدا سرگذشت خودشان را برای خودشان نمیگوید، بلکه نویسنده ای آنچه از تاریخ موسی میداند با چرندیاتی مخلوط کرده و نوشته است.

یکی از درواشکال: اگر این تورات که نمونه نوشته هایش را دیدیم از موسی است پس موسی پیغمبر خدا نیست و اگر چنانچه عقیده مسلمین است تحریر شده پس چگونه باین کتاب تحریر شده متمسک شویم؟! در اطراف تورات سخنان بسیاری میتوان نوشت ولی بهمین مقدار که نوشتیم روشن



شد که دین یهود باطل و غیر قابل قبول است و اصولاً برای کسا نیکه اسلام را قبول نداشته باشند اثبات نبوت موسی ممکن نیست. اکنون بسراغ دین مسیح میرویم؛ گرچه آنچه در رد تورات نوشتیم رد مسیحیت نیز خواهد بود زیرا مسیحی‌ها انجیل را مکمل تورات میدانند و دین خود را متکی بر تورات و انجیل با هم میدانند معذک در دین مسیح هم مختصری بررسی می‌کنیم:

### انجیل در باره حضرت مسیح چه میگوید.

انجیل حضرت مسیح نسبت‌های ناروایی میدهد که نه تنها بانبوت منافات دارد بلکه هیچ آدم با شرفی بچنین تبه‌کاری‌ها دست نمیزند. عیسی می‌گساری میکرد (باب ۷ لوقا آیه ۳۳) عیسی بی‌الها گرفته و بدست ایشان داده گفت بنوشید زیرا که این است خون من در عهد جدید (باب ۲۶ متی آید ۲۷) چون بامار و شاگردانش ورقانای جلیل بعروسی رفت و شراب تمام شد هفت خم آیرا بمعجزه بشراب مبدل کرد (باب ۲- انجیل یوحنا) حرمت نوشیدن شراب و ضررهای جسمانی و روحانی و اجتماعی بپشماری که دارد از نظر علم ثابت شده و محتاج توضیح نیست، بعلاوه در کتب عهد قدیم نیز صریحاً حکم بحرمت شراب شده است (امثال سلیمان نبی آیه ۲۹ باب ۲۳ و جاهای دیگر) عیسی نسبت بمادز و برادرهای خود سخت نامهربان بوده (متی باب ۱۲) در صورتی که دستورهایی که بپشماری بامادر میدهد (باب ۱۹ متی و ۱۰ مرقس و ۱۸ لوقا) عیسی تسلیم کارهای شهوت آلود فضا گناه کار شد و در جواب اعتراض: عذرهای بدتر از گناه آورد (باب ۷ لوقا) کارهای ناپسند وای دیگری بعیسی نسبت داده شد که برهانی نمونه همین قدر

کافی است.

عیسی تنها پیغمبر بنی اسرائیل است . . . :

فرستاده نشده ام مگر بجهت گوسفندان کم شده بنی اسرائیل (انجیل

متی آیه ۲۴)

### خرافات

در انجیل مانند تورات خرافات بسیار است و همین امر سبب شد که بسیاری از دانشمندان اروپا روی ازدین گردا نندند و دین را مخالف علم دانستند از جمله جریان دیوبیرون کردن عیسی است که در بسیاری آیات انجیل ذکر شده و مثلاً از مریم مجدلیه ۷ دیوبیرون کرده است (مرقس باب ۱۶ آیه ۹) نمونه احکام انجیل: انجیل نیز مانند تورات دارای احکام و دستوراتی که بدرد بشر بخورد نیست بلکه اگر حکم و دستوری در این کتاب بچشم بخورد یا خرافی است، و یا قابل عمل نمیباشد؛ یعنی در جنبه افراط یا تفریط قرار گرفته است؛ اینک نمونه: - هر کس بغیر علت زنا زن خود را طلاق دهد زانی است؛ و هر که زن مطلقه را بگیرد زنا کرده است (باب ۱۹ انجیل متی).

باشیر مقاومت ممکن بلکه هر کس بر خسار راست توپیا نچه زند رخسار دیگر را بسوی او برگردان، و اگر کسی خواهد که پیراهنت را بزور از تو بگیرد قیامت راهم باوبده و هر که برقتن یک میل مجبورت کند و میل با او برو (انجیل متی باب ۵) راستی اگر ملل مسیحی باین دستور عمل کرده بودند امر و زائری از آنها باقی نبود مثلاً اگر کسی لندن را میخواست میبایست «منچستر» را هم باوبدهند و اگر واشنگتن را میخواست بایستی

نیویورک راهم باووا گذار نمایند .

اگر کسی از روی خواهش بزنی نظر کند در قلب خود با او زنا کرده بنابراین اگر چشم راست تو، تورا بلغزاند بیرونش بیاورد ، و اگر دست راست تو را بلغزاند قطعش کن اگر یکعضو تنه شود بهتر است که همه بدنت بجهنم افتد (انجیل متی باب ۵) اگر باین دستور عمل شده بود همه ممالک مسیحی را مردم کور و بی‌دست تشکیل میداد .

### این انجیل ؛ انجیل حضرت مسیح نیست

هر کس این انجیل را بخواند بخوبی میفهمد که هیچیک از این کتابها نمیتواند انجیل حضرت عیسی باشد بلکه تاریخی از زندگی عیسی هستند که برای ضبط احوال او، منتها آلوده باخرافات و کفریات نوشته شده است زیرا شرح حال عیسی را از بدو تولد تا قضیه دار کشیدن و دفن و برخاستن از قبر در دهه این انجیل مینویسد مثلاً در آخر انجیل متی میگوید «رؤسای کهنه نقره بسیار بکشیک چیان قبر عیسی دادند که بوالی نگویند عیسی از قبر برخاسته بلکه بگویند شاگردانش آمدند او را زدیدند و آنها پول را گرفته چنانچه تعلیم یافته کردند ، و این سخن تا امروز در میان یهود منتشر است این عبارت مخصوصاً جمله تا امروز صریح است در اینکه - این انجیل سالها پس از مسیح نوشته شد است و در آخر انجیل یوحنا گوید و این (یوحنا) شاگرد است که باین چیزها شهادت داد و اینها را نوشت میدانیم که شهادت او راست است . . . از این عبارات بخوبی مفهوم میشود که نویسندگان این انجیل شخص مجهولی است و ادعاهم ندارد که این کتاب آسمانی است . کوتاه سخن آنکه در انجیلی که بر حضرت مسیح نازل

شده ذکر نسب یوسف نجار و بعد شرح تولد و زندقائی و مصلوب گردیدن عیسی و وقایع بعد از آن یعنی چه؟ و ثانیاً انجیل حضرت مسیح یکی بوده نه چهار تا؛ دهر حال روشن است که این کتابها را شاگردهای با واسطه و بیواسطه عیسی در شرح حال او نوشته اند تواریخ خود مسیحیین نیز گواهی میدهد که مسیح سال ۲۹ میلاد با آسمان رفت در صورتیکه تاریخ تألیف متی را از ۳۲ تا ۴۶ میلادی نوشته اند و تاریخ تألیف یوحنا را از ۶۸ تا ۹۸ و مرقس را از ۵۶ تا ۶۵ و لوقا را از ۵۳ تا ۶۴ ضبط نموده اند.

#### خلاصه عقیده مسیحیون.

خدا و عیسی و روح القدس یکی و در عین یکی سه تا هستند!! قسمتی از خدا داخل رحم مریم شد و خدای پسر متولد گردید که عیسی باشد، و بدست بندگان بالای دار رفت؛ و هر چه التماس کرد که خدای پدر بدادش برسد بدادش نرسید (صریح آیات انجیل آنست که عیسی بسیار تضرع کرد که خدا بالا را از او بگرداند) سپس سه روز - به نیابت بندگان بجهنم رفت سپس بخدائی خدا این گشته طرف دست راست خدای پدر نشست، روح القدس خدای هدایت کننده و خدای پدر خدای خلق کننده و عیسی خدای نجات دهنده است.

#### نسخ شریعت عمل:

مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه مالعت شد چنانکه ملعون است هر که بر دار آویخته شود (باب سوم رساله پولس بگلاطیان) ما و روح القدس صواب دیدیم که باری بر شما ننهیم جز اینکه از قربانیهای بتها و خون، و حیوانات خفه شده؛ و زنا پرهیزید (باب ۱۵ اعمال رسولان)

هر چیزی برای پاكستان است. ولی بی ایمان زهیچ چیز پاك نیست، بلکه فهم و ضمیر ایشان نیز ملوث است (باب اول رساله پولس به تیطس جمله ۱۴) کوتاه سخن آنکه عیسی ملعون شد که امتش را از لعنت ترک شریعت نجات بخشد، و سه روز هم بکفاره گناهان امت، جهنم رفت (باب ۱۵ اعمال رسولان را مطالعه فرمائید):

از آنچه نوشته شد روشن گردید که دین مسیح نیز مانند دین یهود باطل و بی اساس و غیر قابل قبول است اکنون خوبست بررسی مختصری هم در مذهب زرتشت بنمائیم.

### زرتشت کیست و دینش چیست ؟

نظر باینکه دین زرتشتی دارای هیچ پایه و اساس صحیحی نیست و کتاب درستی هم ندارد که بآن استناد کنیم لذا به بحث و تفصیل در اطراف این کیش نپر داخته مختصراً گوئیم: هویت زرتشت بکلی معلوم نیست بطوریکه بعضی اصل وجود او را انکار کرده اند و بر فرض وجود در تاریخ ظهور و نسب و محل او اختلافات بسیار است، و در هر حال از نظر تاریخی معلوم نیست که این شخص ادعای پیغمبری کرده، یا فاقانو نگذاری بوده که قوا نینش کم کم صورت دینی بخود گرفته است.

کتاب این مذهب در زمان غلبه اسکندر مقدونی بر ایران در آتش سوزی تخت جمشید سوخت و بکلی از میان رفت و متون و مباحث آن از نظرها محو گردید. اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی دستور داد آنچه مؤبدان از مضامین اوستا میدانستند، در کتابی جمع آوری و تدوین کردند این کتاب مجدداً هنگام حمله عرب بر ایران از بین رفت و اکنون بیش از

يك چهارم آن در دست نیست که این قسمت را هم نمیتوان بزرگداشت منسوب کرد، و زر تشتیان بدون دلیل قسمتهای باقیمانده را منسوب بزرگداشت میدارند. باینحال چگونه آدم عاقل دینی را که مجهول در مجهول است برای خود اختیار میکند؟ علاوه عقایدی از قبیل آتش پرستی و قائل بیزدان و باهر من (خالق خیر و شر) شدن و احکامی از قبیل تزویج محارم و غسل ببول گاو و احترام گاو و سگ و غیره که در این مذهب وجود دارد خرافاتی است که آدم عاقل قرن اتمی زیر بار آنها نخواهد رفت.

بطور خلاصه گوئیم

۱- بر فرض وجود زر تشت ، بچه دلیل پیغمبر باشد

۲- بر فرض پیغمبری از کجا خاتم باشد، که امروز هم دین او را بپذیریم

۳- از کجا این قسمت باقیمانده کتاب از او باشد

۴- باین خرافات که در این دین است چه میگوئید؟

**بایگیری و بهائیگری -**

کر چه کیشهای ساختگی بایی و بهائی بطلانشان روشن بوده و ارزش آنها ندارند که در اطراف آن صحبت کنیم و حتی باور نمیکنم کسی از روی حقیقت پای بند این کیشها باشد ولی معدک برای آنکه خوانندگان محترم تفریحی کرده باشند نمونه ای از احکام باب و بهارا نقل میکنم. نظر باینکه بعضی خوانندگان ممکن است اصل داعیه باب و بهاراندا نند لذا مختصر آمیگویم:

سیدعلی محمدشیرازی که از شاگردان سید کاظم رشتی میباشد و بادعاهای

مختلفی از قبیل جانشینی سید کاظم (رکن زایع) با بیت ، امام قائم

مهدویت، نبوت و حتی الوهیت، دست زده است و کتابی که سر تا پا از نظر لفظ و معنا غلط است، با عباراتی مهوع بنام «بیان» بهم بافته است و چون پس از ادعای بابت بمرتب نبوت رسیده برای اینکه گفته‌های سابق خود را درست کند گفته: منظور از قائمیکه از جانب او ادعای بابت می‌کردم «من بظهوره الله است» کسیکه بعد از من خدا او را ظاهر میکند (که دوهزار و یکسال دیگر ظهور خواهد کرد. و دست آخر در مجلس تبریز با حضور علماء و شاهرزاده ناصرالدین میرزا (ناصرالدین شاه) تشکیل گردید؛ چون از هر جهت محکوم شد بخط خود توبه نامه نوشت و امضاء کرد و در این توبه نامه که متن آن در صندوق مجلس شورای ملی محفوظ است همه دعاوی خود را انکار نمود.

باب میرزایحیی صبح ازل را بجانشینی خود اختیار کرد. بود؛ میرزا حسینعلی برادر میرزایحیی که بعداً به (بهاء) ملقب شد مدتی پیروی از برادر خود کرد ولی کم کم هوا بسرش زد، و سر از فرمان او پیچیده گفت، من بظهوره الله که باب میباشم او بود من هستم کم کم ادعای نبوت نموده و بالاخره کوس لاله الا انا المهیمن القدوس زد کتاب اقدس و ایقان از او است. با بیان پیر و صبح ازل از بابی ازل؛ و پیر و ان بهاء را که نسبت با زلی ها خیلی بیشتر ندبهای نامند

### اینک نمونه احکام باب ازینان

مردگان در سنگهای مرمر دفن کنند و انگشترهای عقیق در دستشان کنند (باب ثانی عشر از واحد خامس)  
 بر هر نفسی واجب است که نوزده ورق کاغذ برای وارث خود بارش

گذارد (باب ثامن از واحده ثانی). اگر طلا و نقره کسی بشش هزار و پنج مثقال برسد لازم است نو دو و پنج مثقال آن را برای نقطه (سید باب) بدهد (باب سابع عشر از واحد ثامن) اگر شوهر یا زن مانعی از بچه دار شدن داشته باشند حلال است که بیدگیری اجازه دهند بچه بیاورد (باب خامس عشر از واحد ثامن) بر هر که توانائی داشته باشد واجب است سه دانه الماس بعدد (بسم) و چهار لعل زرد بعدد حروف الله و شش عدد زمره بعدد حروف الامنع و شش یا قوت بعدد الاقدس (که کلمات بسم اله الامنع الاقدس است) تهیه کرده و بخدمت من بظهره الله و حروف حی اودر یوم ظهور آنها تسلیم کند (باب خامس از واحد ثامن). هر بابی که شاه شود باید همه غیر بابی هارا بکشد مگر آنا نکه تجارت نافعه داشته باشند (باب سادس عشر از واحد سابع) اموال غیر بابی هارا باید بزور گرفت (باب خامس از واحد خامس) تدریس هیچ کتابی بغیر از بیان جایز نیست مگر مربوط بکلام باشد اما آن علومیکه مردم اختراع کرده اند از قبیل منطق و اصول و غیره (از قبیل فیزیک و شیمی و طبیعی) باحدی از مؤمنین تحصیل و تدریس آنها اذن داده نشده است (باب عاشرا از واحد نهم) نزدیکی شهر طلوع نقطه (سید باب) سجده واجب است (باب خامس عشر از واحد سابع). از میت تنها پدر و مادر، و زوجه و پسر و برادر و خواهر و معلم ارث میبرند (باب ثانی از واحد ثامن) صرف نظر از اینکه تعیین نکرده این هفت نفر در عرض همتند یا در مراتب مختلف و صرف نظر از اینکه اسمی از او لاد و واجداد و جدات و زوج و دختر نبرده است بتعلیل غریب آن توجه کنید: از آنجائیکه مراتب توحید در هفت حرف تمام میگردد که حرف اثبات باشد (الا لله) از این جهت حکم شده که ارث نبرد از میت بسر حقیقت؛ الا هفت نفس...

کتابخانه  
مکتب  
مطهر



آفرین بر این استدلال محکم! اگر کسی دیگری را حبس کند زنش بر او حرام و تمام اعمالش ازین می‌رود؛ و اگر بزنی خود رجوع کند باید ماهی ۱۹ مثقال طلا بدهد و اگر کسی را محزون کند باید ۱۹ مثقال طلا بدهد و اگر نتواند ۱۹ مرتبه استغفار نماید (باب ثامن از واحد سابع) هر دو بست سال یکمرتبه باید تمام کتب پیشین را ازین ببرد و کتابهای تازه بنویسند (باب اول از واحد سابع)

این بود نمونه‌ای از احکامی که سیدباب در قالب عباراتی مهوع و غلط اندر غلط بعنوان نسخ احکام سیدالمرسلین از آسمان مشیت نازل کرده است. دیگر قضاوت با خوانندگان محترم است.

## کتابخانه فیضیه قم

### نمونه احکام بهاء

هر مرد یا زنی که مرتکب زنا شود نه مثقال طلا به بیت العدل بدهد (اقدس). بنابر این زنا برای اغنیا مجاز است. هر نوزده سال یکمرتبه باید همه اسباب منزل را تجدید کرد (اقدس). ترا شیدن موی سر حرام ولی تراشیدن ریش جایز است (ص ۴۲ س ۱۰ و ص ۱۴ س ۴ اقدس). اینهم برای اینکه خواهش جوانان بوالهوس تأمین شود و مریدهای میرزا خدازیاد گردد؛ و گرنه زبانهای بهداشتی تراش ریش و فواید کوتاه کردن موی سر ثابت شده است و بهمین منظور استماع اصوات موسیقی را هم جایز فرموده اند (اقدس ص ۱۶ س ۱).

قد انعمت الایماء فی بحر الطهاره: همه چیز پاک است (اقدس ص ۲۲) میرزا خدا توجه نداشته است که طهارت و نجاست قابل رفع و وضع نیست بلکه آنچه نجس باشد همیشه نجس و آنچه پاک باشد همیشه پاک است.

اسلام پاره ای از چیزها را نجس دانستند (از قبیل بول، سگک، خوک) و علم امر روز هم بر طبق آن گواهی میدهد. مردگان را در میان بلوریا سنگهای محکم یا چوبهای سخت و لطیف دفن کرده و انگشترهای منقوش در دستهای آنها قرار دهند (افس ص ۳۴) «قد حرمت علیکم ازواج آبائکم و انا نستحبی ان تذکر حکم الغلمان (افس ص ۳۰ س ۷) ازدواج بازن پدر حرام و شرم داریم که حکم غلمان را ذکر کنیم از این عبارت دو مطلب استفاده میشود اول آنکه ازدواج با دختر و خواهر و مادر و عمه و خاله و سایر اقارب جایز است. زیرا جناب میرزا در تمام نوشته هایش تنها در اینجا از مجرمات نکاح بحث کرده، و در اینجا هم چنانچه ملاحظه میکنید فقط زن پدر را ذکر نموده است دیگر آنکه لواط حدی ندارد. آخر جناب میرزا که از بیان حکم خدا شرم دارد مردم چه باید بکنند جز این است که چون حدی برای آن نفر موده ارتکاب آنرا بی اشکال دانند. ازدواج و وقت (متععه) را خداوند حرام کرده و مردم را از هوی پرستی منع کرده است (گنجینه الاحکام ص ۱۴۲ از قول عبدالبهاء) اگر متعه هوی پرستی باشد. لابد بی عقد فجور کردن پرهیز کاری است! هر کس بیت کسی را عمداً آتش زند او را بسوزانید و کسی که قتل نفس کند او را بکشید و اگر جس ابد هم بشود اشکال ندارد (افس ص ۱۸ س ۵).

این بود نمونه احکام بها و اگر بخواهم تمام مزخرفات او را بیان کنم خود کتابی مستقل خواهد شد. بحث مختصری که در اطراف مسلك بابو بها شد باین منظور بود که خوانندگان محترم به بینند دین سازان قرن بیستم چه احکام نو ظهور و زوخته آوری آورده اند؛ و اگر نه اینها را حزب

سیاسی میدانیم و حاضر نیستیم از نظر دینی با آنها بحث کنیم.

### دین مقدس اسلام :

اکنون بسراغ دین مقدس اسلام میرویم باید دانست که استقصاء در احکام و دستورات و علمیات قرآن کریم محتاج بنوشتن کتابهای بسیار است مامجبوریم در این مقاله بکلیاتی اشاره کرده و گفتارمان را پایان دهیم و هر کس طالب تفصیل باشد بکتاب مفصله رجوع نماید لذا مختصراً گوئیم :

قرآن کریم کتابی است که با اتفاق مورخین دست نخورده باقی مانده و بدست ما رسیده است. این کتاب از جهات بی شماری معجزه است که در کتب بتفصیل نوشته اند. آورنده این کتاب مردامی بوده که آیات را بدون استمداد از کسی مرتجلاً میآورد، و در عین حال محکمترین و عالیترین مطالب را شامل است، این کتاب طی آیاتی چند همه جزو انس و دعوت بمقابله و معارضه کرده، و هنوز در طول تاریخ کسی برنده مسابقه نشده و بعد از این هم نخواهد شد. این کتاب، از هر موضوعیکه برخلاف عقل و منطق باشد یا با فطرت سازگار نباشد خالی است امروز هم آواز جانبخش قرآن از فرستنده ها بگوش همه مردم جهان میرسد، و کسی نمی تواند کوچکترین اشکالی بر آن بکند، و اگر هم بعضی اشکالات موهومی کرده اند پاسخ دندان شکن شنیده اند.

در قرآن مجید اخبار گذشته و آینده و کلیات احکام ثبت است؛ و ما برای نمونه کلیاتی از قرآن مجید را بنظر خوانندگان محترم می‌رسانیم تا مناط جزئیات باشد (۱)

(۱) از دائره المعارف فرید و جهی استعلاوه شده.

میزان تشخیص در هر امری عقل است :

قرآن کریم عقلاً مناط تمیز بین خیر و شر و حق و باطل معرفی میکند و جمله « افلا تعقلون » بسیار در قرآن تکرار شده است ، در سوره تبارک فرماید « وقالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في اصحاب السعير »  
 در زخیان میگویند اگر شنیده بودیم و بعقل خود مراجعه کرده بودیم بجهنم نمیافتادیم بطور کلی در هر جا موضوعی را مورد انتقاد قرار میدهد بکاری تشویق و ترغیب میکند ؟ عقل را میزان قراردادها و از مخالفین دلیل میخواهد « قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقیین » .

### ارزش علم

قرآن برای علم و عالم ارزش بسیار قائل شده بطوری که ایمان و علم را همدوش قرارداد فرماید « یرفع الله الذین آمنوا والذین آمنوا العلم درجات » خدا کسانی را که علم و ایمان داشته باشند درجاتی بالا میبرد جای دیگر فرماید « آیا دانشمندان و نادانان مساویند ؟ همانا خریدمندان می فهمند » و آیات در اهمیت علم و عالم در قرآن کریم بسیار است

### مساوات عامه

قرآن همه امتیازات را لغو کرده مساوات عامه را اعلام فرموده است « یا ایها الناس انما خلقناکم من ذکر و انشی وجعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر حکم عند الله اتقیکم » ای مردم پدر و مادر همه شما یکی است « کسی را بر کسی از نظر نسب برتری نیست ) و شمارا شعبه ها و قبیله ها قراردادیم که شناخته شوید ( و این مناط برتری شما نخواهد بود ؛ همانا گرامی ترین شما نزد خدا پر هیزر کابترین شما است پیغمبر اسلام فرموده سفید بر سیاه و عرب بر عجم

گنجینه فیضیه

برتری ندارد مگر بتقوی و عمل پسندیده.

### جمع بین دنیا و آخرت

قرآن دستور میدهد که از مواهب دنیا استفاده کنید و بخواطر آخرت دنیا را ترک ننمائید و برای دنیا هم آخرت را از دست ندهید. «بنا آتانی الدنيا حسنه و فی آخره حسنه» پروردگار در دنیا و آخرت بمانی کسی بدهد «و لانس نصیبك من الدنيا» بهره ات را از دنیا فراموش مکن «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده و الطیبات من الرزق» بگو کی حرام کرده است زینت های خدا و روزی های پاکیزه را؟ و در خبر است که از ما نیست کسی که دنیا را بخواطر آخرت یا آخرت را بخواطر دنیا ترک کند.

## کتابخانه فیضیه قم

### دعوت بمطالعه در طبیعت :

قرآن مردم را بمطالعه در طبیعت و کشف اسرار آن دعوت میکند «قل انظروا ما ذاقی السموات و الارض» بگو نظر کنید در آنچه که در آسمان و زمین است و دینی غیر از اسلام چنین دستوری نداده است و در جای دیگر در نشانه های مؤمنین حقیقی فرماید «و تفکرون فی خلق السموات و الارض» در خلقت آسمان و زمین تفکر میکنند البته این دو آیه که نوشته شد برای نمونه بود و گرنه آیات و اخبار در این باره بسیار است مسلمین به پیروی از همین تعالیم بود که در اندک زمانی در قسمتهای مختلف علوم منجمه هیأت و فیزیک به پیشرفتهای شایانی نائل گردیدند.

### فلسفه احکام

بر خلاف - بسیاری از ادیان که دستورات دینی را بصورت تشریفات در آورده اند بطوری که به کلی با امور دنیای مردم مربوط نیست؛ قرآن احکام

خود را با مورد نیای مردم از قیاط داده بطوری که هر حکم علاوه بر نتیجه اخروی دارای تأثیرات مهم در زندگی فردی و اجتماعی مردم نیز هست و مهمتر این است که این منافع را کوشزد پیروان خود نموده تا تحمل احکام مشکل نباشد، و مردم بدانند که دین بمنظور بقید کشیدن آنها نیامده بلکه برای رفاه و سعادت مردم آمده است: در باره نماز فرموده «ان الصلوة تمهی عن الفحشاء والمنکر» نماز روح شمارا سالم کرده و در نتیجه از فحشاء و منکرات بازتان میدارد، و در باره روزه فرماید «کتب علیکم الصیام» کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون، روزه بر شما واجب است چنانچه بر پیشینیان واجب بوده؛ و این برای آنست که پرهیز کار شوید (یعنی بواسطه ریاضت روزه بر روح و نفس خود مسلط گشته و نتیجتاً پرهیز کار میشوید) همچنین برای هر حکمی، صالحی ذکر میکند و تذکر میدهد که این برای ترقی روح و جسم خود شماست و گرنه برای خدا سود و زیانی ندارد و بطور عموم فرماید «ما یرید الله علیکم فی الدین من حرج ولکن یرید لیطهرکم و ینعمت علیکم» خدا نخواسته است بواسطه دین شما را بمشقت اندازد؛ بلکه میخواهد شما را پاکیزه کند و نعمش را بر شما تمام فرماید.

### آزادی عقیده.

بسیاری از ادیان کسانی را که پیرو آن دین نیستند، مدور الدم دانسته و برای مال و ناموسشان ارزش و اعتباری قائل نیستند؛ ولی اسلام آزادی عقیده داده، و گفته است هر کس هر عقیده که خواهد داشته باشد، مادامیکه از در جنگ با مسلمین در نیامده مال و جانش محترم است «لا اکره فی الدین قد تبین الیه من فی» اجباری در دین نیست پس از آنکه رام است روشن شد

«لاینبهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم ینخرجوکم من دیارکم ان تیرّواهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» بکسانی که با شما این جنگیدند و شمار از دیارتان بیرون نکردند نیکی و عدالت کنید خدا عدالت کند. گان را دوست دارد.

### میان روی در همه چیز.

قرآن برخلاف کیشهای افراطی و تفریطی اعمال غرائز و میلهای آدمی را جایز شمرده؛ «در مواردی لازم» ولی دستور میانه روی و اعتدال داده است «کلوا و اشربوا و لاتسرفوا» بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید «ولا تجعل یدک مغلولة الی عنقک و لاتبسطها کل البسط» نه ممشک باش و نه آنقدر کشاده دست، که زرد گانی خودت بزمین بماند؛ و در هر موردی بهمین نحو دستور میدهد مثلاً میگوید: «غریزه جنسی را بیکار بینداز، و عفت را هم مراعات کن، در موردی که لازم شود جنگ بکنید، ولی تعدی و تجاوز و ستمگری روا ندارید» و لاتعتدوا ان الله لایحب الممتدین»  
سر نوشت دنیوی و آخر وی، و سعادت و شقاوت بدست خود آدمی است.

قرآن میگوید فریبات و شفاعات (مگر در مواردی) در آدمی بی اثر است «وان لیس للانسان الا ماعسی و ان سعیه سوف یری» در سر نوشت آدمی چیزی جز سعی خودش مؤثر نیست و بزودی نتیجه کوشش خود را خواهد دید «کل نفس بما کسبت رهینه» هر کس در کار و عمل خویش است، فرید و جدی در دائره المعارف نقل میکند که پیغمبر به فاطمه فرمود: ای فاطمه عمل کن که من در پیشگاه خدا چیزی از تو بیناز نتوانم کرد.

## علوم امروز در قرآن

قرآن کتاب هدایت است و بنا بر این تشریح مسائل علمی از بر نامه قرآن خارج میباشد ، ولی در مواردیکه با هدف اصلی قرآن مناسبت داشته پیاره ای از نکات علمی اشاره فرموده که امر وز پس از ۱۴۰۰ سال پیشترفت؛ علوم پرده از روی آن برداشته است مادر اینجا نمیخواهیم بتفصیل این مطلب بپردازیم زیرا الزحوصله این مقاله خارج است تنها بد کر چند موضوع فهرست وارا کتفا میکنیم :

زمین کروی است (سوره معارج آیه ۴۰) و حرکت میکند ( آیه ۱۵ سوره ملک و آیه ۳۰ نازعات و آیه ۵۵ طه) خورشید بطرف مخصوصی روان است (سوره یس آیه ۳۸) همه ستارگان در مدار میگردند ، حرکت دورانی دارند (سوره یس آیه ۴۰) ماه حرکت انتقالی دارد (آیه ۳۹ سوره یس) زمین و سایر کرات آسمانی در ابتدای خلقت یکی بودند (سوره انبیاء آیه ۳۰) و در ابتدا بصورت توده بخاری بودند (سوره فصلت آیه ۹) افرشته شدن کرات آسمانی بوسیله ستونهای نامرئی است یعنی نیروی جاذبه عمومی (رعد آیه ۲) در کرات آسمانی موجودات زنده وجود دارد (شورا آیه ۲۸) و (الرحمن آیه ۲۸) و (نمل آیه ۸۶) و آیات دیگر ، چرم خورشید تبدیل بانرژی شده و خاموش میشود (سوره تکویر و آیات دیگر) همه ستارگان و خورشیدها و منظومه ها را مرکز و فنائی است (زمر آیه ۷) و روم آیه ۷ و احقاف آیه ۲ و آیات بسیار دیگر) خدا انسان را از کرمک ریزی شبیه زالو آفرید (علق آیه ۲) از فوائد باد ، تلقیح گیاهان است (حج آیه ۲۲) گیاهان نر و ماده دارند (لقمان آیه ۹ و آیات دیگر)



بشر بر کرات دیگر دست خواهد یافت (شوری - ۲۸ لقمان ۱۹ - جاثیه ۱۲ و آیات دیگر). اکنون که از دستورات و احکام ادیان و نوشته های کتب مذهبی مختصری بنظر خوانندگان محترم رسید - آیه شریفه ذیل را بنظر خوانندگان آورده و گفتارمان را پایان میدهیم :

«ومن یتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و انه فی الآخرة من الخاسرین»

